

با صالح مدرس زاده، مجری تلویزیون و مروج کتاب

کاش وزارت‌ی برای کتاب داشت



محمّد آزاد-جام جم

شهادت، چهره‌های موفق و... در این پیشنهادها وجود دارد چون الگوسازی و از آن طرف الگویابی از اتفاقات مهمی است که در بستر کتاب رخ می‌دهد. کتابی که کسب تجربه اقتصادی موفق را به مخاطب یاد بدهد هم داریم. امروز علاقه بخشی از جامعه به سمت مطالعه کتب توسعه فردی است. یکی از انتخاب‌های ما این بود که صرفاً کتاب‌های خیلی ساده تهیه نکنیم چون طیفی که در زندان است الزاماً افرادی کم‌سواد نیستند. زندان، خود یک دانشگاه است. یکی از علایق خود من سفرنامه‌هاست که از این کتاب‌ها هم به زندان‌ها دادیم.

عنوان بلاگری کتاب برای شما از کجا آمد؟

در جلسه‌ای یک نفر برای معارفه ما به مدیر مجموعه گفت فضای کار اینها بلاگری است ولی ما خودمان را بلاگر تصور نمی‌کردیم، حتی من با این عنوان مخالف بودم. دوره‌ای وقتی با رسانه‌ها مصاحبه می‌کردم و به من می‌گفتند شما بلاگر هستید می‌گفتم نه، ما مشاوریم و گارد عجیبی در برابر عنوان «بلاگری» قائل بودم. بعد متوجه شدم کاری که ما انجام می‌دهیم عملاً بلاگری است و الزاماً بار منفی ندارد. فکر می‌کردم برچسب بلاگر بودن سطح کارمان را پایین می‌آورد. گاهی در موقعیت‌های مختلف ممکن است تصور اشتباهی از پدیده‌های اطراف داشته باشیم. تصور من نسبت به بلاگری اشتباه بود و آن را سبک می‌دانستم. از مقطعی خود را بلاگر معرفی کردیم و اینجا جایی بود که هویت مشاوره و فروشگاه کتاب تثبیت شده بود و اتفاقاً فعالیت‌های بلاگری را افزایش دادیم.

مشاوره در محدوده انتخاب کتاب‌های خوب است و حتماً نظرهایی برای شما گذاشته شده که در حوزه مشخصی کتاب معرفی کنید.

این یکی از ویژگی‌های بلاگری است و همراهی مخاطبان با سلیقه بلاگر تنظیم می‌شود. مجموعه مخاطبانی که داریم با سلیقه و نگاه ما همراه هستند، وگرنه در پیج ما ضد انقلاب هم همراهی می‌کند، دیگران هم هستند.

ما به هیچ‌کسی نگفته‌ایم نباش. برخی بحث‌های جدی می‌کنند، صحبت‌هایی دارند و گاهی تیکه می‌اندازند. حتی کسی را داریم که با نگاه ما همسو نیست، ولی روی کارمان سرمایه‌گذاری کرده است. عموم مخاطبان ما سلیقه ما در مطالعه، سلیقه در نگاه به اتفاقات، تحلیل سیاسی و دیگر مسائل را می‌پسندند و همراهی می‌کنند.



ما تلاش‌مان این است که بازوی رسانه‌ای و کتابی جریان ظهور باشیم و ۱۰ سال بعد هم همین راه را با مختصات بزرگتری ان شاء... بی می‌گیریم

و این بهترین هدفگذاری برای ماست

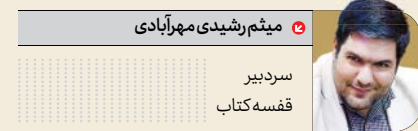


روز مادر کتاب جیبی کم حجم مادر که داستان‌هایی درباره حضرت زهراست را به زندان بانوان مشهد اهدا کردیم. ما مجری این طرح بودیم که توسط یک خیریه برنامه‌ریزی شده بود. هم زمان ارتباط زنده تصویری از طریق شبکه‌های اجتماعی و چله زیارت حرم امام رضا (ع) داشتیم که هر شب مخاطبان راس یک ساعتی می‌آمدند. ماه رجب بود و حال و هوای خوبی داشتیم. یک شب موضوع تجهیز کتابخانه زندان‌ها را در یکی از ارتباط‌های زنده مطرح کردم.

هنوز صحبت من تمام نشده بود که متوجه واریز مبلغ قابل توجهی شدم. متوجه شدم یک نفر از هموطنان ساکن آمریکا فقط به این دلیل که این صدا از حرم امام رضا (ع) به گوشش رسیده، تاثیری گرفته و بدون تردید از اقوامش خواسته مبلغی را واریز کنند. اینها بخشی از اتفاقات جذاب و انرژی بخش کار ماست.

وقتی مسئله تجهیز کتابخانه زندان مطرح است برای زندانی‌ها چه کتاب‌هایی توصیه می‌کنید؟

مجموعه‌ای از موضوعات از جمله آشنایی با شخصیت‌ها اعم از



میثم رشیدی مهرآبادی

سرمدیر

قفسه کتاب

اشاره: وقتی تصمیم گرفتیم با صالح مدرس زاده درباره کتاب صحبت کنیم، دیدیم او نسبت به اتفاقات جامعه، بی‌خیال و بی‌مسئولیت نیست و از ظرفیت دنبال‌کنندگانش برای اهداف فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی استفاده می‌کند. اقدامات او در بردن کتاب برای زندانی‌ها و کنشگری‌اش در وقایع مهم اجتماعی از دلایل دیگری بود که ما را به انجام این گفتگو مصمم کرد. او که یک دهه هفتادی فعال است، سر موقع در دفتر روزنامه جام جم حاضر شد و با ریتم تند، اما دقیق و کامل به سؤالات ما پاسخ داد که نتیجه‌اش حالا پیش روی شماست.

شما در ذهن من بیش از این‌که بلاگر باشید، کتاب فروش ثبت شده‌اید!

فضای کاری ما در اصل فروش و مشاوره کتاب بود و مشاوره در خدمت این هدف بود تا کتاب خوب به دست مشتری برسد. دغدغه اصلی ما این بود که در فضای توزیع کار کنیم. امروز ناشران خوب کار می‌کنند نه این‌که مشکلی در حوزه نشر نداشته باشیم، ولی آن قدر اوضاع به اندازه حوزه پخش و توزیع وخیم نیست. در سال ۱۳۷۶ رهبر معظم انقلاب در یک سخنرانی می‌گویند «ما در حوزه نشر خوبیم ولی حوزه توزیع کتاب خاک گرفته است؛ آن قدر که به آن پرداخته نشده...» لفظ خاک گرفته نهیب زنده بود و ما آمدیم تا این فضا را درست کنیم.

مدتی است پیشنهاد می‌شود بیایید ناشر بشوید و... ولی ما به دلایل مختلف توزیع را بیشتر می‌پسندیم. مسأله ما توزیع برای همکاران نیست و در حوزه توزیع برای مخاطب فعالیت می‌کنیم. این اتفاق، برکات زیادی دارد، باتک تک مخاطبان سرو کار داریم و این وجه تمایزی است که مجموعه ما رقم می‌زند. مخاطبان سؤال می‌پرسند و بعضاً دغدغه‌های شخصی خود را مطرح می‌کنند.

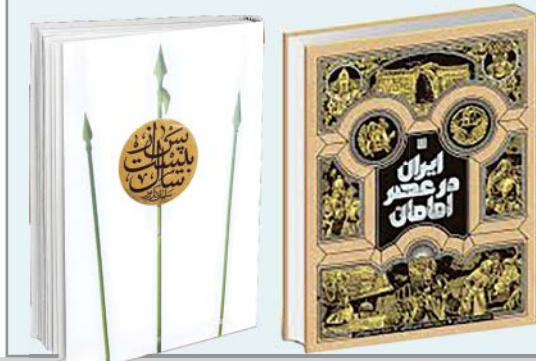
نذر قرآن برای زندان

نذر فرهنگی‌هایی داریم که به شیوه‌های مختلفی برگزار می‌کنیم. چند ماه پیش نذر قرآن برای زندان داشتیم. قرآن ترجمه آقای ملکی را که ادبیات روان‌تری دارد انتخاب کردیم. این نذر برای تجهیز کتابخانه زندان بود. در نوبت دیگری با همکاری یکی از دوستان چندین زندان در منطقه خوی را تجهیز کردیم و موفق شدیم حدود ۴۰ تا ۵۰ عنوان کتاب در اختیار کتابخانه هر زندان قرار بدهیم.

یک نوبت سه سال پیش در ولادت حضرت زهرا (س) به مناسبت

«ایران در عصر امامان» و «پس از بیست سال»

این حوزه برسند. در تهران هم کار سخت شده ولی هنوز نبضش می‌زند. وضعیتی مطلوب برای کتابفروشی که بتواند این کار را به عنوان شغلی خوب به جوانی که وارد فضای کار می‌شود معرفی کند، وجود ندارد. این شغل جذابی نیست و همین مسأله یکی از دغدغه‌های همیشگی من بود تا کتابفروشی را به عنوان شغلی جذاب معرفی کنم و باعث شوم کسی مثل برادر ۱۵ ساله خودم برای کتابفروشی شدن هدف‌گذاری کند.



به طور مثال روی کتاب ایران در عصر امامان آقای احسان ناظم‌بکایی مانور بیشتری دادیم. این کتاب هم دایره‌المعارف ویژه‌ای درباره ایران است و هم درباره ائمه است که از تولد امیرالمومنین (ع) تا پیش از غیبت امام زمان (عج) را با نگاه تطبیقی مرور کرده است. اگر کسی به دنبال مطالعه دوره ساسانیان در ایران باشد این کتاب به صورت تطبیقی به او کمک می‌کند. این کتاب یکی از پرفروش‌ترین‌های ماست. کتاب «پس از بیست سال» از سلمان کدیور که جایزه جلال را کسب کرد هم رکورددار فروش ماست، فقط چهار هزار نسخه از این کتاب توسط فروشگاه ما به فروش رفته است که عدد قابل توجهی است.

وقتی از کتاب فروشی صحبت می‌کنم منظور کتابفروشی مجازی است. مدتی فروشگاه حقیقی زدیم ولی برایمان توجیه اقتصادی چندانی نداشت. یکی از مشکلات اقتصادی صنف کتابفروشی این است که کار کتابفروشی خارج از تهران توجیه اقتصادی ندارد. دولتمردان ما باید به صورت اورژانسی به داد